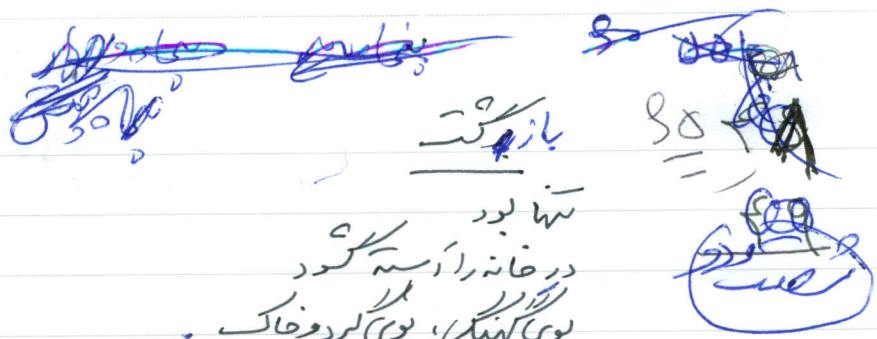

بازگشت

تنها بود
در خانه را آهسته گشود
بوی کهنگی، بوی گرد و خاک.
دیوارها نگاه‌شان غریبانه
غمناک
گل‌ها در گلدان‌ها خشک، بد رنگ

همه چیز قدیمی
همه جا غم آهنگ
صدها عکس‌ها روی دیوار
با آن همه یاد و یادگار
با او بیگانه.
عینک سیاه‌اش را برگرفت و گفت
و او که بازگشت چه تلخ است ~~[illegible]~~
در خانه را پشت‌اش بست
روی آن نوشت

~~[illegible]~~ در گذشته‌ها غرق‌اند
ناباوران آینده...

+ + +

ژاله
لندن
۲۰۰۰
۶/۱
۱۳۷۹